

نگاه کارشناس

سهراب دل‌انگیزان کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با هم‌میهن:

همه راه‌ها به بازار آزاد ختم می‌شود

در نهایت همه راه‌ها به آزادسازی اقتصاد ختم می‌شود. اقتصاددانان معتقدند تا زمانی که دولت نرخ آزاد دلار را به رسمیت نشناسد و دست از دخالت در ابعاد مختلف اقتصاد برندارد، ایجاد نهادهایی مانند تالار مبادلات ارز توافقی، تنها یک کلید بدون دندانه، برای قفل اقتصاد است. در شرایط تحریمی، دولت و بخش خصوصی هر دو به یک اندازه مجبور به پرداخت هزینه‌های تحریم هستند؛ بنابراین افتتاح تالار مبادله ارز توافقی، می‌تواند روزه‌ای برای تک‌نرخ شدن قیمت ارز محسوب شود. سهراب دل‌انگیزان، کارشناس اقتصاد و استادیار دانشگاه رازی، در گفت‌وگو با هم‌میهن یادآوری می‌کند: در زمانی که کشور مشکلاتی برای تشکیل بازارها و اختلال‌هایی از نوع عرضه و تقاضا داریم یا اختلال‌هایی از نوع نبود قانون وجود دارد و عناصر مختل‌کننده مانند تحریم و مقررات نادرست اجازه نمی‌دهند که بازار به شکل دقیق و شفاف شکل گیرد، چنین سازوکارهایی، جانشین بازار کامل می‌شوند و سعی می‌کنند از محدودیت‌های موجود بکاهند.

به نظر شما تالار مبادلات ارز توافقی، چه نقشی در حوزه اقتصاد کشور ایفا می‌کند؟

رفتارهایی که اکنون شاهد آن هستیم، همگی رفتارهایی جانشین بازار هستند. مرکز مبادله با این شیوه‌ای که مطرح شده است به نظر جانشین بازار می‌آید. این ایرادی ندارد. در زمانی که کشور مشکلاتی برای تشکیل بازارهای کامل اختلال‌هایی از نوع عرضه و تقاضا داریم یا اختلال‌هایی از نوع نبود قانون وجود دارد و عناصر مختل‌کننده مانند تحریم و مقررات نادرست اجازه نمی‌دهند که بازار به شکل دقیق و شفاف شکل گیرد، چنین سازوکارهایی، جانشین بازار کامل می‌شوند و سعی می‌کنند از محدودیت‌های موجود بکاهند.

و این سازوکار تا چه اندازه مفید است؟

اگر این عناصر جانشین بازار، به‌عنوان دریچه و روزه‌ای دیده شوند که بعد از مدتی از نتایج مثبت آن‌ها بهره برده شود و قانون‌گذاری، نهادگذاری و تشکیل چارچوب‌های جدید انجام شود، این عناصر، عناصر مفیدی هستند. اگر این عناصر منجر به کنار رفتن رویه‌های غلط گذشته شود هم، می‌توان گفت که مفید هستند. اما اگر تنها قرار باشد این عناصر بهانه‌هایی مانند اختلاف زیاد نرخ ارز بازار با ارز نیما را پوشش دهند، دیگر کارکردی نخواهند داشت. یعنی اینکه نهاد توافقی تنها، بخشی از این اختلاف قیمت را برطرف کند اما سیاست‌گذار توجه نکند دقیقاً چه کسانی اجازه دارند در این نهاد معامله کنند یا معامله‌ها در چه سطحی خواهد بود و تسویه‌حساب به چه شکلی انجام می‌شود. چنین چیزی ثمربخش نیست. باید دانست با مقادیر اسکناسی و غیراسکناسی چگونه برخورد می‌شود. باید به شکل دقیق مشخص شود فردی که از این بازار خرید می‌کند، اجازه دارد چه فعالیت اقتصادی‌ای انجام دهد. همین نکته‌ها باید شفاف باشد و نهاد مذکور به سمت و سویی برود که دولت کمترین دخالت را در اقتصاد داشته باشد و این نهاد هم به سمت بازار آزاد برود تا به ارز تک‌نرخ نزدیک شویم. اگر هم اختلالی هست باید برطرف شود. البته هنوز جزئیات دقیق مشخص نیست.

به نظر شما چه تضمینی وجود دارد که سرنوشت تالار، مانند سرنوشت ارز نیمایی که آن هم قرار بود توافقی باشد، نشود یا فعالان با چیزی شبیه به آنچه امروز تعهد ارزی خوانده می‌شود، مواجه نشوند؟



تحریم‌ها منجر به ایجاد تعهد ارزی توسط سیاست‌گذار شد. دولت تحریم شده بود و امکان فروش در حوزه‌های نفت، گاز و میعانات را نداشت. اگر هم که قرار بود این فرآورده‌ها فروخته شوند، نمی‌شد پول نفت را به کشور بازگرداند. تنها بخش خصوصی سالانه ۵۰ یا ۶۰ میلیارد دلار نیاز ارزی دارد. به همین دلیل سیاست‌گذار از صادرکنندگان تعهد ارزی می‌گرفت تا ارز به کشور بازگردد. به جز این هم، دولت معتقد بود از آن جایی که انرژی، حمل و نقل و نیروی کار در کشور ارزان است و سرمایه در گردش ارزان قیمت نسبت به تورم در اختیار تولیدکننده قرار می‌دهد پس اگر کالایی تولید شود، شرایط فروش در بازار خارجی داشته باشد اما پول آن به کشور بازنگردد، فاجعه رخ می‌دهد. زیرا این اقدام دو بار به ضرر کشور است. یک بار همه نهاده‌های تولید به شکل ارزان قیمت در اختیار تولیدکننده قرار گرفته و یک بار دیگر همین نهاده‌ها تقریباً بدون عائدی از کشور خارج شده است. اما خود تعهد ارزی چنان اختلالی در صادرات ایجاد کرد که فعالان اقتصادی دیگر نمی‌توانستند صادرات انجام دهند چراکه برای بازگرداندن پول خود به داخل کشور محدودیت و مشکل داشتند و باید هزینه‌های زیادی به صرفا می‌دادند؛ هزینه مبادله و ریسک زیادی نیز باید پرداخت می‌کردند. پس دیگر تحریم تنها مختص به دولت نبود و بخش خصوصی نیز مجبور بود هزینه‌های تحریم را پرداخت کند. به همین دلیل تعهد ارزی بخش خصوصی را دچار بحران می‌کند. سیاست‌گذار می‌توانست تنها یک بار از بخش خصوصی هزینه دریافت کند و نه دو بار. یک بار وقتی پول وارد کشور می‌شود، بخش خصوصی باید هزینه کند و دلار را در سامانه‌ای به فروش برساند که اختلاف فاحشی با بازار دارد. بار دوم هم زمانی که قرار است پول خود را به صراف‌ها دهد تا بتواند آن را به کشور وارد کند. اگر مسئله‌ای مانند ارز نیمایی و تعهد ارزی دقیق بررسی شده بود و براساس اصل تسهیلگری به آن‌ها نگاه می‌شد، چنین مشکلاتی رخ نمی‌داد. اگر فضایی در اختیار صادرکننده قرار می‌گرفت که بتواند سود خود را به راحتی به دست بیاورد، صادرکننده هم به راحتی تن به تعهد ارزی می‌داد. این تصمیمات غلط باعث شده ارز به کشور بازنگردد و صادرکننده واقعاً آن‌قدر فروش نداشته باشد که بتواند مقدار ارزی که باید را در اختیار دولت بگذارد. همین مسئله هم باعث ایجاد اقداماتی مانند خرید و فروش کارت بازرگانی، فساد اداری، رانت و بسیاری موارد دیگر شد. حالا همه این نگرانی‌ها برای بازار توافقی وجود دارد. یعنی اگر بازار توافقی نیز به همین نگاه سیاست‌گذاری شود و دخالت دولت را بیشتر کند یا مقررات محدودکننده‌تری وضع کند، وضعیت کشور بدتر می‌شود.

دولت باید درباره ارز توافقی چه تصمیمی بگیرد؟

دولت باید با همین درس که از دلار نیمایی و تعهد ارزی گرفته است، تسهیلگرانه و با کمترین دخالت در این بازار سیاست‌گذاری کند تا مشکلات قبلی دوباره تکرار نشوند. دولت باید به فعالان اقتصادی اعتماد کند؛ چراکه واحد اقتصادی که در حال حاضر اشتغال‌زایی ایجاد کرده و تولید می‌کند یا با این شرایط سخت ادامه می‌دهد و برای کشور درآمد ایجاد می‌کند، لایق اعتماد کردن است. با مقررات‌گذاری غلط و بدون اعتماد به فعالان هرگز نمی‌توان اقتصاد کشور را بهبود بخشید.



نتوانست مانع از افزایش قیمت کالاهای اساسی شود. ارز ترجیحی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ با نرخ ۴۲۰۰ تومانی و از سال ۱۴۰۱ تاکنون با نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی تخصیص یافته است.

بررسی تورم کالاهای اساسی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ که ارز ۴۲۰۰ تومانی و سپس ۲۸۵۰۰ تومانی دریافت می‌کرد نشان می‌دهد نه تنها در اغلب این سال‌ها قیمت آن تثبیت نشده بلکه تورم آنها از تورم کل در اغلب دوره‌ها بالاتر بوده است. دولت اگر چه برای جلوگیری از رشد قیمت کالاهای اساسی، ارز ارزان تخصیص می‌داد اما در عمل جلوی رشد قیمت‌ها گرفته نشد و همانطور که در نمودارها به تفکیک سال آورده شده، رشد قیمت‌هایی به مراتب بیشتر از سایر کالاها داشته‌اند.

سهراب دل‌انگیزان: رفتارهایی که اکنون شاهد آن هستیم، همگی رفتارهای جانشین بازار هستند. مرکز مبادله با این شیوه‌ای که مطرح شده است به نظر جانشین بازار می‌آید. در زمانی که کشور مشکلاتی برای تشکیل بازارهای کامل اختلال‌هایی از نوع عرضه و تقاضا داریم یا اختلال‌هایی از نوع نبود قانون وجود دارد و عناصر مختل‌کننده مانند تحریم و مقررات نادرست اجازه نمی‌دهند که بازار به شکل دقیق و شفاف شکل گیرد، چنین سازوکارهایی، جانشین بازار کامل می‌شوند

سیاست ارز ترجیحی با هدف حمایت از مصرف‌کننده اتخاذ می‌شود اما همین ارز، باعث ایجاد رانتی بزرگ برای عده‌ای کم است که نه تنها تورم کالاهای مصرفی را کاهش نمی‌دهد، بلکه بنا بر سندی رسمی بانک مرکزی، منجر به گران‌تر شدن آن‌ها هم شده است. به هر حال دولت، حتی اگر با نیت حمایت از مصرف‌کننده ارز ارزان قیمت ترجیحی به کالاهای اساسی اختصاص دهد هم با این عمل، بار سنگین بودجه را سنگین‌تر می‌کند. ناترازی بودجه هم در قالب‌های مختلفی از جمله تورم، دوباره نوک پیکان‌اش را به سمت مردم نشانه می‌رود و تازه، برخی از کالاهای ارزان قیمت هم در خطر قاچاق قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، دولت هرگز نقش ارز ترجیحی بر قیمت‌گذاری کالاهای مشابه تولید داخل را در نظر نمی‌گیرد. برای مثال یک گزارش رسمی از گمرک توضیح می‌دهد که قیمت گندم وارداتی در سال ۱۴۰۱، معادل ۰/۴۵ دلار به ازای هر کیلوگرم بوده است. اگر قیمت ارز ترجیحی معادل ۲۸۵۰۰ تومانی باشد، قیمت گندم وارداتی هم معادل ۱۲۹۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم محاسبه می‌شود. اما این در حالی است که نرخ تضمینی خرید گندم در سال ۱۴۰۱ مبلغ ۱۱۵۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم تعیین شده است. تازه همین مقدار هم به دلیل تاخیر دولت در پرداخت خرید تضمینی گندم، باعث می‌شود تولیدکنندگان گندم، کالای خود را زیر قیمت بازار به فروش برسانند. همین امر، از انگیزه فعالیت کشاورز تولیدکننده کاسته و به انگیزه واردکننده می‌افزاید. بنابراین، اگر بگوییم ارز ترجیحی، تولید را تضعیف و واردات را پرسود می‌کند، چندان بی‌سره نمی‌گوییم. این در حالی است که عموم کشورهای توسعه‌یافته در جهان به‌خصوص بعد از جنگ بین روسیه و اوکراین به اهمیت مقوله امنیت غذایی به خوبی پی بردند و سعی کردند جزو صادرکنندگان کالاهای اساسی سفره در جهان باشند.

تورم نقطه به نقطه خرداد ۱۴۰۱	تورم نقطه به نقطه بهمن ۱۴۰۱
۱۰۰/۷	۵۵/۸
۵۲/۸	۹۰/۵
۱۲۰/۷	۸۳/۳
۲۶/۲	۲۲۶
۱۱	۴۵/۲
۴۴/۱	۵۴/۶

منبع: بانک مرکزی

فعالان خصوصی



امضای ۴ سند همکاری مشترک ایران و ترکمنستان

مقامات ایران و ترکمنستان در حضور رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و رهبر ملی ترکمنستان ۴ سند همکاری مشترک در حوزه‌های مختلف امضا کردند. با حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران و قربانقلی بردی‌محمداف، رهبر ملی ترکمنستان، ۴ سند همکاری مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان در بخش گاز، گمرکات، همکاری‌های دیپلماتیک و خواهرخواندگی دو بندر امیرآباد و ترکمن‌باشی به امضا رسید. این اسناد همکاری از سوی وزرای امور خارجه، راه و شهرسازی و نفت و مسئولان گمرکات دو کشور امضا شد.

مسعود پزشکیان بعد از ظهر چهارشنبه و در نشست مطبوعاتی که با رهبر ملی ترکمنستان داشت، گفت: امروز روز مبارکی برای ما بود که در خدمت رهبر ملی کشور ترکمنستان بودیم و گفت‌وگوی خوب و مؤثری بین ما صورت گرفت.

رئیس‌جمهور با اشاره به توافقات راهبردی میان دو کشور اظهار امیدواری کرد که ارتباطات و توافقات فی‌مابین منجر به گسترش همکاری‌ها در سایر زمینه‌ها نیز بشود.

پزشکیان اظهار کرد: در فاصله بسیار نزدیکی در عشق‌آباد با رهبر ملی ترکمنستان دیدار خواهیم داشت و آنچه را نوشتیم به صورت عملیاتی دنبال خواهیم کرد.

رئیس‌جمهور روابط ریشه‌دار و تاریخی ایران و ترکمنستان را زمینه مناسبی برای توسعه همکاری‌ها عنوان کرد و اظهار داشت: ما ضمن پایبندی نسبت به تفاهات و پیمان‌های صورت‌گرفته میان دو کشور، برای رفع موانع و چالش‌های پیش‌روی گسترش روابط اقتصادی کامل داریم.

رئیس‌جمهور در ادامه توافقات صورت‌گرفته میان ایران و ترکمنستان در بخش گاز را اقدامی راهبردی در جهت تبدیل ایران به هاب گازی منطقه و در چارچوب تأمین منافع دو کشور عنوان کرد و افزود: بنده شخصاً اجرای توافقات و تعهدات به امضا رسیده میان دو کشور را پیگیری خواهم کرد و امیدوارم در دیدار آتی که در عشق‌آباد انجام خواهد شد، شاهد تحقق و اجرای کامل این توافقات باشیم.

در ادامه این جلسه عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز در سخنانی با اشاره به روابط بسیار خوب و مواضع مشترک ایران و ترکمنستان در قبال مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، مرز میان دو کشور را از جمله امن‌ترین نقاط مرزی جمهوری اسلامی ایران عنوان و بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت مرزها به نفع دو کشور و دولت تأکید کرد.

عراقچی همچنین بر لزوم همکاری‌های مشترک دو کشور در کمک به افغانستان برای برون‌رفت این کشور از چالش‌ها و مشکلات تأکید کرد.

گسترش همکاری در بخش‌های نیرو، ترانزیت، برق، همکاری‌های مشترک دو کشور در بخش گاز و پتروشیمی، صدور خدمات فنی و مهندسی، هدف‌گذاری برای ترانزیت ۲۰ میلیون تنی کالا میان دو کشور، تسهیل صدور روادید، توسعه همکاری‌ها در بخش بنادر و دریانوردی، کریدوری و حمل و نقل جاده‌ای و ریلی از جمله مهمترین محورهای سخنان وزرای نیرو، نفت و راه و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران در نشست هیئت‌های عالی‌رتبه ایران و ترکمنستان بود.

قربانقلی بردی‌محمداف، رهبر ملی ترکمنستان نیز در این نشست با تأکید بر اهمیت توسعه روابط میان دو کشور برای ترکمنستان و ابزار خرسندی از سطح بسیار خوب همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تهران-عشق‌آباد، بر عزم دولت این کشور برای حمایت از ابتکارات بین‌المللی ایران تأکید کرد.

رهبر ملی ترکمنستان در ادامه با اشاره به تلاش‌های این کشور در زمینه استقرار صلح و ثبات در منطقه، بر علاقه‌مندی کشورش برای توسعه همکاری‌های امنیتی میان دو کشور تأکید کرد و گفت: ترکمنستان همچنین علاقه‌مند به توسعه روابط تجاری و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران و افزایش همکاری‌ها در حوزه دریای خزر است.